

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۳۱ اکتوبر ۲۰۱۸

آیا عمان میان تهران و واشنگتن و تل آویو میانجیگری می‌کند؟

در چند سال اخیر به خصوص در دولت‌های دهم و یازدهم و دوازدهم ترافیک سفر هیئت‌های دیپلماتیک به عمان برای مذاکره با مقامات امریکائی بیش‌تر از پیش شنیده می‌شود و به‌نظر می‌رسد میزبانی عمان گواهی تعاملات خاصی میان تهران و مسقط است.

البته این برای اولین بار نیست که عمان نقش میانجیگری میان ایران و طرف‌های خارجی را ایفا می‌کند و قبل از این نیز عمان در موضوع هسته‌ای و آزادی شهروندان ایرانی زندانی در امریکا، نقش موثری ایفا کرده بود. بسیاری از تحلیل‌گران توافق‌نامه ژنو را حاصل چند دور مذاکره محرمانه میان طرف ایرانی و امریکائی در مسقط عنوان کرده بودند.



اکنون نیز عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران از مذاکره تهران با واشینگتن خبر داد. جواد کریمی قدوسی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای ایران جمعه ۲۶ اکتبر ۲۰۱۸، گفت که کارشناسان وزارت خارجه ایران با همتایان امریکائی خود در عمان در حال مذاکره هستند. قدوسی به خبرگزاری موج گفت: «علی‌رغم نهی مقام عظمای ولایت، خبر موثق داریم که کارشناسان وزارت خارجه در عمان مشغول مذاکره با همتایان امریکائی خود هستند.»

این نماینده مجلس ضمن تأکید بر موثق بودن این خبر، محمدجواد ظریف را متهم به تلاش برای ارتباط با تیم ترمپ کرده است.

این عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، همچنین با اشاره به رفت و آمدهای جدید مسؤولان وزارت خارجه ایران به عمان، گفت: «عمان تبدیل به خلوتگاهی برای امریکائی‌ها و انگلیسی‌ها شده است و از این طریق سعی دارند تا به ایران دسترسی پیدا کنند.»

قدوسی که عضو جبهه پایداری و از جناح تندرو نظامی اسلامی به شمار می‌رود گفت: «اخیرا هم خبری مستند دریافت کردیم که بعضی از کارشناسان وزارت خارجه ایران با همتایان امریکائی خود در عمان در حال مذاکره هستند.» نماینده مشهد در مجلس، همچنین تأکید کرد که «این خبر جدید و مربوط به پس از فرمان رهبر جمهوری اسلامی در ممنوعیت هر نوع مذاکره و در هر سطح با امریکا است.»

به‌گفته کریمی قدوسی، این مذاکرات که به‌گفته او «تلاشی برای حفظ ارتباط با تیم ترمپ است»، مشمول فرمان رهبر جمهوری اسلامی می‌شود و مذاکره‌کنندگان مطلقاً اجازه چنین کاری را ندارند.

جواد کریمی قدوسی، در بخش دیگری از سخنان‌اش مدعی شده است، از آن‌جا که جمع‌بندی وزارت خارجه ایران پیش از انتخابات ریاست جمهوری امریکا، پیروزی دموکرات‌ها بوده، همه قول و قرارهایشان را با دموکرات‌ها بسته بودند و به‌گفته این نماینده، به‌همین دلیل نیز زمانی که دموکرات‌ها رای نیاوردند و جمهوری‌خواهان در کاخ سفید مستقر شدند، دست آقای ظریف در ارتباط با تیم جدید کاملاً خالی بود.

این نماینده مجلس مدعی شده است که محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، با سابقه‌ای که در امریکا داشته، تلاش کرده است تا پس از پیروزی دونالد ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، از طریق لابی‌هایی چون «نایاک» (شورای ملی ایرانیان امریکا) و حضور افرادی چون غلامعلی خوشرو در سازمان ملل با تیم ترمپ ارتباط برقرار کند.

گفتنی است که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی ایران، روز ۲۲ مردادماه گذشته در واکنش به بازگشت تحریم‌های امریکا علیه ایران گفته بود: «جمهوری اسلامی هر وقت به آن اقتداری برسد که فشار و هوجی‌گری امریکا رویش تأثیری نگذارد، می‌تواند با امریکا مذاکره کند. امروز چنین چیزی نیست؛ بنابراین امام مذاکره با امریکا را ممنوع کرد و من هم ممنوع می‌کنم.» او هم‌زمان در مورد مذاکره در چارچوب برجام گفته بود که «در موضوع مذاکرات بنده اشتباه کردم و به اصرار آقایان اجازه تجربه را دادم که البته از خطوط قرمز معین‌شده هم عبور کردند.» آیا واقعا خامنه‌ای با جامعه رو راست سخن می‌گوید؟ تجربه تاکنونی نشان داده است که خامنه‌ای و سایر سران و مقامات حکومت اسلامی، همواره یک مشت دروغ و تزویر و ریا تحویل افکار عمومی جامعه ایران و جوامع جهانی می‌دهند. در ادامه همین مطلب، خواهیم دید که آن‌ها در محافل حکومتی خود یک موضع دارند اما رو به‌جامعه مواضع ریاکارانه‌ای تحویل می‌کند.

مسئله مهم دیگر سفر نتایه‌هاو نخست وزیر اسرائیل به عمان است. این سفر دو روزه که روز پنج‌شنبه ۲۵ اکتبر آغاز شد تا عصر جمعه و زمان به زمین نشستن هواپیمای نتانیا‌ه‌و در اسرائیل رسانه‌ای نشد.

روزنامه «تایمز اسرائیل»، سفر غافلگیر کننده نخست وزیر این کشور «نتانیا‌ه‌و» به کشور پادشاهی عمان را تفسیر کرد و نوشت:

«در میانه گمانه‌زنی‌ها، برخی از نقش اساسی مسقط در میانجی‌گری‌های بین‌المللی میان طرفین درگیر یاد می‌کنند و می‌گویند ممکن است عمان بتواند نقش مهمی در گفت‌وگوهای صلح میان فلسطینیان و اسرائیل داشته باشد با این حال،

اکثر تحلیل‌گران می‌گویند احتمالاً اورشلیم از سفر نتانیاهاو به عمان برای ارسال پیام به ایران استفاده کرده است. به‌منظر می‌رسد اسرائیل و آمریکا در هماهنگی با یکدیگر خواستار بهبود روابط اسرائیل با کشورهای حوزه خلیج فارس به‌خصوص کشورهای هستند که اسرائیل تاکنون با آنان روابط دیپلماتیک رسمی یا روابط عمیقی نداشته است. البته در این میان علاوه بر موضوع ایران، باید اشاره کرد که دیدار چند روز پیش «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین از عمان نیز گمانه‌زنی‌ها را درباره نقش عمان در اجرای طرح صلح مدنظر آمریکا تقویت کرد. با این حال، «ایهود یتری» تحلیل‌گر مسائل جهان عرب در اسرائیل می‌گوید که موضوع اصلی مسأله مذاکره اسرائیلی‌ها با فلسطینیان نیست. او می‌افزاید: «عمان می‌خواهد میان طرفین درگیر واسطه شود و میانجی‌گری کند اما اسرائیل نیازی به کمک عمان برای گفت‌وگو با فلسطینیان ندارد. موضوع اصلی ایران است. عمان مسیر ارتباطی با ایران است. موقعیت منحصر به‌فرد عمان نزد ایران می‌تواند نقش مهمی در میانجی‌گری میان اسرائیل و ایران داشته باشد. سلطان قابوس در سالیان گذشته موفق شد کانال‌های پشت‌پرده برای ارتباط میان واشنگتن و ایران را در دوره ریاست جمهوری او باما فراهم کند. روسای کشورها به عمان سفر می‌کنند تا به ایران پیام بفرستند. از سوی دیگر، نتانیاهاو در سال‌های اخیر نشان داده که اسرائیل با وجود عدم روابط رسمی، با چند کشور عربی ارتباط خوبی برقرار کرده است. با این حال، او به ندرت این دیدارها را علنی کرده است. از این‌رو دیدار با سلطان قابوس منحصر به‌فرد بود. اسرائیل و عمان روابط دیپلماتیک رسمی ندارند.

روزنامه الشرق‌الوسط نیز در تحلیلی در این خصوص ضمن بیان این‌که هنوز پشت‌پرده این دیدار مشخص نیست، مدعی شد: «آن‌چه درباره وساطت عمان میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها گفته شده، بسیار بعید به‌منظر می‌رسد به این دلیل که مصر این مأموریت را به‌عهده گرفته است.» از دیگر سو، به گزارش الجزیره بنیامین نتانیاهاو اخیراً مدعی شده است که مخالفت با ایران «کشورهای خلیج‌فارس و اسرائیل» را متحد کرده است.

رئیس موساد و شماری از مشاوران بلندپایه نتانیاهاو نیز او را در سفر عمان همراهی کردند. چند روز پیش از این سفر، نتانیاهاو در پارلمان اسرائیل گفت که اسرائیل و کشورهای عربی با تهدید مشترکی به‌نام ایران روبه‌رو هستند و همین باعث نزدیکی بی‌سابقه میان آن‌ها شده است.

پادشاه عمان از دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، نقش پیک ویژه میان ایران و آمریکا را عهده‌دار شده است. در همان دوران، پیک‌های ویژه از بیت رهبری راهی عمان شدند و پیام بردند و پیام آوردند. همچنین چند سفر هم پادشاه عمان به تهران کرد و سپس مستقیماً به آمریکا رفت. این نقش را سلطان قابوس پادشاه عمان در دولت روحانی هم ادامه داد و اکنون هم ادامه می‌دهد.

همان‌طوری که در بالا اشاره شد جواد کریمی قدوسی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای ایران جمعه ۲۶ اکتبر ۲۰۱۸، گفت: که کارشناسان وزارت خارجه ایران با همتایان امریکائی خود در عمان در حال مذاکره هستند.

آیا سفر نتانیاهاو نخست وزیر اسرائیل به عمان، ربطی به این مذاکره دارد یا نه؟ باید منتظر ماند و دید آیا نتایج این سفرها، سرانجام به آن جایی خواهد رسید که خامنه‌ای نیز مانند خمینی، جام زهر را سر بکشد؟

بی‌گمان بیست و نهم تیرماه ۱۳۶۷، یک روز تاریخی فرموش نشدنی است: «... و جام زهر آلود قبول قطع‌نامه را سر کشیده‌ام.» با این جمله تاریخی آیت‌الله خمینی بود که جنگ ایران و عراق، طولانی‌ترین جنگ کلاسیک قرن بیستم، با هزینه‌های گزاف انسانی و مالی و پس از هشت سال به‌پایان رسید. جنگی که برای هزاران هزار ایرانی و عراقی به‌قیمت جان‌شان تمام شد و برای میلیون‌ها نفر دیگر، همچنان یادآور طنین شوم آژیر قرمز، خاطرات آغشته به‌خون و

درد، هراس بی‌وقفه در خاموشی‌های مکرر، تصویر چسب‌های ضربداری روی پنجره‌ها، صف‌های طولانی دریافت اجناس کوپنی، و صدها و صدها نشانه و خاطره تلخ دیگر است. اگر فرض کنیم صدام حسین رئیس جمهوری وقت عراق آغازکننده این جنگ بود اما از سال دوم جنگ، او درخواست صلح کرد و حتی عربستان آماده بود از سوی عراق به این غرامت بپردازد اما این خمینی و حکومت اسلامی بود که با شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» و یا «فتح قدس از کربلا می‌گذرد» و...، این جنگ را به هشت سال رساندند و میلیون‌ها عراقی و ایرانی را به‌دیار نیستی فرستادند و یا برای همیشه زمین‌گیر کردند.

چند ماه قبل از اجرای تحریم‌های نفتی اخیر، امریکائی‌ها هماهنگی‌هایشان با کشورهای عربی را افزایش دادند تا برای مقابله نظامی احتمالی با ایران آماده شوند.

پس از آن، جنگ لفظی بین تهران و واشنگتن، بالا گرفت، برخی آن را نشانه موضع سرسختانه کاخ سفید در برابر ایران دانستند. تنش لفظی ایران و امریکا، پس از توثیق هشدار آمیز دونالد ترامپ به حسن روحانی شروع شد. ترامپ در یک توثیق خشمگینانه، به همتای ایرانی‌اش با حروف بزرگ هشدار داد که امریکا را تهدید نکند. قبل از آن، روحانی طی یک سخنرانی در تهران، به واشنگتن هشدار داده بود که با دم شیر بازی نکند. در سایه این تنش‌ها، برخی از تحلیل‌گران اظهار کردند که این خصومت‌ها ممکن است باعث پیگیری سیاست تغییر حکومت اسلامی توسط امریکا شود. این گمانه‌زنی‌ها از زمان خروج امریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) شدت گرفت. با این حال، چند روز پس از تهدیدات توثیقی سنیتزجویانه ترامپ علیه ایران، جیم متیس، رسماً اعلام کرد که سیاست واشنگتن در قبال تهران، تغییر حکومت نیست.

متیس ضمن رد سیاست تغییر حکومت در ایران، گفت: «از آن‌ها (ایرانی‌ها) می‌خواهیم رفتارشان را در تعدادی از تهدیدات که آن‌ها با نیروی نظامی‌شان، با دستگاه اطلاعاتی‌شان و با نایبان‌شان اعمال می‌کنند، تغییر دهند.» به‌گفته رویترز، این اظهارات متیس، مبسوط‌ترین اظهارات یک مقام بلندپایه دولتی درباره سیاست امریکا در قبال ایران پس از گفتگوهای سطح بالا در کاخ سفید است. علاوه بر این، متیس حتی گزارش یک رسانه استرالیایی درباره آماده شدن امریکا برای حمله نظامی به ایران را «متوهمانه» دانست و با اطمینان اعلام کرد خبر حمله به ایران در ماه آینده صحت ندارد.

اخیراً هم‌زمان با سفر یوسف بن علوی، وزیر خارجه عمان به امریکا، حتی برخی رسانه‌ها به نقل از روزنامه العرب، نوشتند که این سفر برای برای میانجی‌گری و کاهش تنش میان ایران و امریکا صورت گرفته است. امریکائی‌ها از یک طرف به‌دنبال تأسیس یک ناتوی عربی علیه ایران و از سوی دیگر اطمینان می‌دهند که سیاست تغییر حکومت در ایران در دستور کار کاخ سفید نیست.

متیس در میان دولت‌مردان بلندپایه امریکا، به‌عنوان کسی شناخته می‌شود که سعی می‌کند از تشدید تنش‌های نظامی میان دو کشور جلوگیری کند. با این حال، بررسی محتوای دیدار متیس با بن علوی نشان می‌دهد که این دو، سخنی درباره امکان تنش‌زدائی با ایران بیان نکرده و در مقابل در مورد «آزادی کشتیرانی» گفتگو کرده‌اند. احتمالاً این گفتگوها درباره تنگه هرمز بوده است. زیرا، اولاً خاک عمان تا تنگه هرمز امتداد دارد. ثانیاً اخیراً، مقامات حکومت اسلامی ایران، چندین بار تهدید کرده‌اند که اگر صادرات نفت ایران به صفر برسد، آن‌ها تنگه هرمز را خواهند بست. شاید به همین دلیل است که متیس در دیدار با بن علوی، بر نقش عمان به عنوان یک «شریک حیاتی» تأکید کرده است.

اما در عین حال، تأسیس «ناتوی عربی» در مقابل حکومت اسلامی ایران، یک نوع هشدار به حکومت اسلامی است. اقدامات اخیر امریکائی‌ها، به‌ویژه تلاش برای تأسیس یک ائتلاف نظامی علیه ایران و نیز به صفر رساندن صادرات

نفتی آن، نشان می‌دهد که آن‌ها تبعات خطرناک این اقدامات در ماه‌های آینده را در نظر گرفته‌اند و به‌منظور بالا بردن قابلیت‌هایشان برای مقابله نظامی احتمالی با حکومت اسلامی ایران در این ماه‌های حساس پیش رو، هماهنگی‌ها را با کشورهای متحدشان در منطقه افزایش داده‌اند.

پیش‌تر «یوسف بن علوی» وزیر خارجه سلطنت عمان که برای سفری یک هفته‌ای به امریکا رفته و روز ۷ مرداد ۹۷ با جیمز ماتیس، وزیر دفاع و مایک پمپئو وزیر امور خارجه این کشور دیدار کرده بود، در گفتگو با شبکه تلویزیونی الجزیره گفته بود که برای وساطت بین واشنگتن و تهران به امریکا نرفته، اما کشورش آماده است تا چنین نقشی را ایفا کند.

او افزوده بود: «ما پیامی از کسی از جمله ایرانی‌ها برای امریکائی‌ها نیاوردیم. معتقدیم که می‌شود گفت‌وگو را شروع کرد. دو طرف وسط این همه مشغولیت نیاز دارند فرصتی پیدا کنند تا وارد درگیری نشوند، درگیری‌ای که نه برای منطقه و نه برای کسی هیچ فایده‌ای ندارد.»

رسانه‌های ایران روز سه‌شنبه ۹ مرداد ۹۷، از سفر آتی یوسف بن علوی به تهران خبر دادند. حضور وزیر خارجه عمان به تهران در روز جمعه پس از سفر او به امریکا، گمان میانجی‌گری این کشور برای ایران و امریکا را تقویت کرده بود.

با این حال بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه حکومت اسلامی ایران، در نشست خبری خود در پاسخ به پرسشی درباره سفر یوسف بن علوی به واشنگتن برای میانجی‌گری بین ایران و امریکا گفته بود: «من از محتوای مذاکرات و اهداف سفر ایشان به امریکا اطلاعی ندارم.» به عبارت دیگر، او چنین میانجی‌گری را رد نکرده بود.

قاسمی تأکید کرده بود: «روابط تهران و عمان به‌صورت مستمر و متمادی است، با یکدیگر روابط خوبی داریم، در تماس دائم با یکدیگر هستیم.»

او همچنین با یادآوری سفر اخیر وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران به مسقط، پایتخت عمان گفت: «آقای ظریف نیز طی هفته‌های قبل سفری به عمان داشتند. من ارتباط و پیوستی بین این سفرها نمی‌بینم.»

یوسف بن علوی چند سالی است نقش میانجی برای آغاز مذاکرات دشوار را بازی می‌کند. روزنامه العرب چاپ لندن خبر داد که سفر وزیر خارجه عمان به واشنگتن و دیدار با جیمز متیس وزیر دفاع امریکا برای میانجی‌گری این کشور و کاهش تنش میان ایران و امریکا صورت گرفته است. همین خبر کافی بود تا کارشناسان به آینده این گفت‌وگو و مذاکره امیدوار باشند.

نمونه این میانجی‌گری در سال ۲۰۱۳ بود که عمان با مذاکرات و گفت‌وگوهای پی‌درپی، توانست زمینه را برای مذاکره ایران و امریکا برای رسیدن به توافق هسته‌ای هموار کند. اکنون نیز با توجه به شرایط بحرانی ایران و تشدید تحریم‌ها علیه کشورمان، عمان بار دیگر این وظیفه را بر عهده گرفته تا با امریکا بر سر ایران گفت‌وگو کند.

در عین حال، عمان بین ۶ کشور شورای همکاری خلیج فارس حضور دارد و در طول تاریخ رابطه حسنه و خوبی با را با عربستان نداشته است. عربستان، همواره سعی کرده تا نقش برادر بزرگتر را بازی کند، عمان یکی از کشورهایانی است که تلاش دارد تا همواره رابطه خود را با ایران حفظ کند. این حفظ ارتباط طبیعتاً منافع اقتصادی سیاسی برای طرفین داشته مانند انتقال گاز به این کشور؛ و دیگر این‌که ایران در زمان حکومت پهلوی و در مسأله ظفار به پادشاه عمان کمک بسیاری کرد و بعد از انقلاب تاکنون نیز میان دو کشور روابط رابطه حسنه و خوبی برقرار بوده است.

شرایط کنونی ایران و امریکا، اسرائیل و عربستان، شرایط بسیار سخت و پیچیده‌ای نسبت به دوران شاه است.

روابط میان ایران و عمان و همکاری میان دو کشور از زمان حکومت محمد رضا پهلوی و کمک ارتش ایران در سرکوب پیکارگران ظفار آغاز شد. به محض خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، شورشیان ظفار که ابتدا از جانب چین و یمن جنوبی و سپس از جانب شوروی حمایت می‌شدند دست به حملات پارتیزانی علیه سلطان نشین عمان زدند. با افزایش این حملات، در اسفند ماه ۱۳۵۰ یک هیأت عمانی به ریاست توفیق بن شهاب مشاور سلطان قابوس به تهران آمد و از دولت ایران برای سرکوب شورشیان ظفار تقاضای کمک کرد. به همین منظور موافقت‌نامه‌ای سری میان ایران و عمان در مارس ۱۹۷۲ در زمینه کمک‌های نظامی به این کشور امضا شد.

تا اواخر سال ۱۳۵۱، کمک ایران منحصر به ارسال جنگ افزار و تجهیزات نظامی می‌شد تا این‌که سرانجام در ۲۹ آذر ۱۳۵۲ به تقاضای سلطان قابوس، نیروهای ایرانی مجهز به وسایل پیشرفته و هلیکوپترهای باری و کشتی‌های جنگی در صلاله پیاده شدند. ارتش ایران در نهایت در اواخر سال ۱۳۵۳ توانست ایالت ظفار را تصرف و چریک‌ها را پراکنده کند. سرانجام در مهرماه سال ۱۳۵۴، در یک حمله نهائی آن‌ها را به کلی متلاشی کردند و سپس به نابودی کانون‌های مقاومت پرداختند. برای همین سلطان قابوس، بقای خود را مدیون کمک‌های ایران می‌داند.

عمان در چندین مورد به‌عنوان میانجی نقش موثری را در حل مناقشات مربوط آزادی زندانیان ایرانی در امریکا و در مقابل زندانیان امریکائی حاضر در ایران ایفا کند.

در این زمینه می‌توان به میانجی‌گری سلطان قابوس در ماجرای سه کوهنورد امریکائی بازداشت شده در ایران (سارا شورد، شین بائر و جاشوا فتال) که با پرداخت وثیقه ۱/۵ میلیارد تومانی از سوی پادشاه عمان آزاد شده و با هواپیمای اختصاصی او، راهی امریکا شدند اشاره کرد.

همچنین آزادی مجتبی عطاردی (استاد دانشگاه شریف که در امریکا بازداشت بود)، شهرزاد میرقلی خان (زندانی در امریکا) و نصرالله تاجیک (سفیر اسبق ایران در اردن که در لندن بازداشت بود) با میانجی‌گری‌های سلطان قابوس محقق شد.

همچنین حسین نوش‌آبادی سفیر پیشین ایران در مسقط در مورد نقش واسط عمان در انتقال پیام‌های ایران در زمان مسئولیت وی در عمان گفته است: «زمانی که سفیر ایران در عمان بودم، این کشور در تبادل زندانیان و... مشاوره‌های خوبی به ما می‌داد و خیلی وقت‌ها حامل پیام‌های ما و غرب بوده و در این انتقال پیام، امانتدار خوبی هم بود... این کشور بعضاً ناقل پیام ما و غرب به یکدیگر بوده و ما به‌عنوان کشور دوست، به آن‌ها اعتماد داشته و داریم. کما این‌که در حال حاضر نیز در مورد مسائل کشورهای بحرین و یمن با آن‌ها مشورت و رایزنی می‌کنیم... برای کاهش فشار روی شیعیان در بحرین و رفع تنش‌ها در این کشور از طریق عمانی‌ها وارد عمل شده‌ایم... چون عمان، صادق و امین است و به حل مشکلات علاقه نشان می‌دهد. اگر هم ضرورتی احساس شده و لازم بوده پیام‌هایی هم از جانب ایران و از کانال عمان رسانده‌ایم.»

شایان ذکر است که میانجی‌گری عمان در مناقشات ایران و دیگر کشور تنها به انتقال پیام‌های دو طرف محدود نشده و در مقاطعی عمان مقدمات مذاکره بدون واسطه ایران با امریکا و کشورهای اروپائی را فراهم کرده است. بنا بر ادعای رسانه‌های غربی قصر فوق مجل «البوستان» در نزدیکی‌های مسقط میزبان چند دور مذاکره محرمانه میان مقامات ایرانی و امریکائی طی سال‌های اخیر بوده است.

لارا روزن، گزارشگر پایگاه خبری تحلیلی المانیور در گزارشی به این مذاکرات اشاره می‌کند و می‌نویسد: «پس از این‌که شش قدرت جهانی و ایران گفت‌وگوهای هسته‌ای را در آلمانی قزاقستان به پایان رساندند، دو نفر از اعضای تیم مذاکره کننده هسته‌ای امریکا به‌صورت مخفیانه به عمان پرواز کردند و در یک ویلای ساحلی با دو مقام امریکائی که

از واشنگتن آمده بودند، دیدار کردند. ویلیام برنز، معاون وزیر خارجه و جیک سولیوان، مشاور امنیت ملی جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور امریکا، از واشنگتن عازم شهر بندری مسقط در دریای عرب شدند. پونیت تالوار، مشاور حوزه ایران کاخ سفید و روبرت اینهورن، مشاور کنترل تسلیحاتی وزارت خارجه نیز پس از گفت‌وگوهای آلماتی از قزاقستان راهی عمان شدند.»

در این دیدارها سرپرستی هیات ایرانی را علی‌اصغر خاجی، معاون وقت امور اروپا و امریکای وزیر امور خارجه بر عهده داشت که قبل از این طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، به‌عنوان نماینده ایران در اتحادیه اروپا در بروکسل فعالیت می‌کرد.

در همان زمان، علی اکبر صالحی وزیر خارجه وقت در اظهار نظر رسمی صحبت از برداشته شدن تحریم به‌میان آورد که در آن زمان این صحبت برای بسیاری از تحلیل‌گران عجیب به‌نظر می‌رسید. او در این رابطه گفت: «با تمهیدات اندیشیده شده دستگاه دیپلماسی، از امروز شاهد رفع تدریجی تحریم‌ها خواهیم بود.»

در مرداد ماه ۱۳۹۷، ظریف وزیر خارجه حکومت اسلامی گفته بود که سوئیس و عمان، پیام‌هایی برای میانجی‌گری داده‌اند، اما مذاکره ای بین ایران و امریکا در جریان نیست.

به گزارش مشرق، ۱۷ مرداد ۱۳۹۷، محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ای پاسخ‌گوی سؤالات متعددی شده است که متن کامل آن در زیر آمده است:

بازگشت نخستین بخش از تحریم‌های هسته‌ای امریکا از ۱۵ مرداد ماه کلید خورد. آیا مذاکرات ایران و ۱+۴ درباره بسته پیشنهادی حفظ برجام به نتیجه مشخصی رسیده است؟

بسته پیشنهادی اروپا خطوط کلی مشخصی دارد که رؤس آن اعلام شده است. از جمله آن‌که مسیر بانکی برای تبادلات مالی ایران وجود داشته باشد و فروش نفت آن در سطح کنونی باقی بماند. تحریم‌های مرتبط با این موضوعات در آبان ماه (نوامبر) عملیاتی می‌شود. اقدامات دیگری هم در چارچوب حفظ برجام شامل فعال کردن شرکت‌های کوچک و متوسط و رایزنی‌هایی برای احیای قانون جلوگیری از اجرای تحریم‌ها (قانون انسداد تحریم‌ها) و صدور مجوز بانک سرمایه‌گذاری اروپا نیز صورت گرفته است. در جریان تلاش‌های گسترده‌ای هم که بنده در خلال سفر به سنگاپور برای امضای قرارداد مودت با «آسه آن» داشتم به این نتیجه رسیدم که اروپایی‌ها نه تنها در داخل اتحادیه اروپا برای حفظ برجام کار می‌کنند بلکه خارج از اتحادیه هم کارهای گسترده‌ای انجام داده‌اند.

اما اگر به‌لحاظ تاریخی کمی به عقب بگردیم باز می‌بینیم که در سال ۱۳۵۶ نیز یک هیات امریکائی به ایران سفر کردند و طی چند روز در تهران، با مقامات حکومت اسلامی ایران مذاکره کردند.

ورود ناگهانی «مک فارلین» رئیس شورای امنیت ملی ریگان رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده به تهران، به‌همراه ۵ نفر از همراهان او به نام‌های «نورث»، «جورج کیو»، «هوارد تیچر»، «نیر» و رابط سازمان سیا در ۴ خرداد ۱۳۶۵. ش - ۲۵ مه ۱۹۸۶م بود. ۵ ماه بعد از انجام آن، ابتدا در تاریخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۶۵ - ۲ نوامبر ۱۹۸۶م، از سوی نشریه لبنانی «الشراع» و پس از آن با اعلام رسمی هاشمی رفسنجانی ریاست وقت مجلس شورای اسلامی در جمع دانشجویان گرد آمده در مقابل مجلس در ۱۳ آبان همان سال، فاش شد و به ماجرای «مک فارلین» و یا «ایران گیت»، «واترگیت دوم» و «ایران کنتر» معروف شد.

مل فارلین و هیات همراهش ۴ خرداد ۱۳۶۵ و در یکی از هتل‌های تهران مستقر شدند. مک فارلین و هم‌ران او طی چهار روز اقامت خود در تهران، پس از انجام هفت دور مذاکره با مقامات ایرانی، ایران را ترک کردند.

در پایان این دور از مذاکرات «هوارد تیچر» برای جلب نظر طرف ایرانی، بخشی از تهدیدات شوروی سابق علیه ایران نظیر استقرار ۲۶ لشکر در همجواری مرزهای ایران را یادآور شد و به نقل از مک فارلین اعلام کرد که: «با رئیس مجلس آقای هاشمی، آقای موسوی نخست وزیر و پریزیدنت خامنه‌ای ملاقات خواهد کرد. آیا می‌توانیم ترتیب یک ملاقات سری میان مک فارلین و رهبران شما را بدهیم. سرانجام درخواست امریکائی‌ها به خمینی و مسئولین بلندپایه حکومت اسلامی منتقل و ادامه مذاکرات تحت تأثیر نظر خمینی قرار گرفت که ظاهراً خمینی، پس از شنیدن گزارش گفته بود: «هیچ‌یک از مسوولان با آن‌ها مذاکره نکند.»

اما این مذاکرات ادامه یافته و طی چهارمین و پنجمین دور گفت و گوها، پیرامون موضوعاتی همانند راهکارها و موانع آزادی گروگان‌های امریکائی در لبنان، فروش سلاح به ایران، تهدیدات احتمالی شوروی سابق علیه ایران و پشتیبانی آن از عراق در جنگ، نحوه خاتمه جنگ و ... تبادل نظر شد.

در دور ششم مذاکرات به علت عدم دستیابی به نتیجه دل‌خواه برای هیات امریکائی و ابراز تمایل آن‌ها برای بازگشت، در حالی که هیات امریکائی پیش‌نویس پیشنهاد خود برای تکامل تدریجی روابط را تسلیم کردند.

آخرین دور گفت و گوها که در روز هفتم خرداد ۱۳۶۵ برگزار شد. اما هنوز هم کسی از توافقات پشت پرده این هفت جلسه در تهران، به درستی خبر ندارد. تازه اگر روزنامه لبنانی پس از گذشت ۵ ماه از سفر مک فارلین به ایران، پرده از این مذاکرات برنمی‌داشت شاید هنوز هم مقامات حکومت اسلامی، این مسأله را مخفی نگاه می‌داشتند.

البته بعدها هم این روابط پنهانی مقامات امریکائی و ایرانی ادامه پیدا کرد. برای نمونه، عمده رایزنی‌های امریکا با ایران در آن زمان شامل این مورد بود که ایران جنگنده‌های امریکائی را در صورت ورود به آسمان این کشور هدف قرار ندهد.

زلمی خلیل‌زاد سفیر اسبق امریکا در افغانستان و عراق، با انتشار کتابی از روابط پشت پرده امریکا و ایران پرده برداشته است.

خلیل‌زاد در کتاب خود با عنوان «The Envoy» (نماینده) نوشته، امریکا پیش از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ با ایران رایزنی کرده بود.

زلمی خلیل‌زاد، سفیر سابق امریکا در عراق، افغانستان، سازمان ملل و افسر سابق دولت جورج بوش، رئیس جمهور سابق امریکا که به‌نوعی بالاترین مقام مسلمان در دولت جورج بوش را دارا بود، در کتاب جدید خود به مرور خاطرات گذشته پرداخته و در آن عملکرد دولت جورج بوش را بررسی کرده است. بخشی از این کتاب به سیاست خارجی امریکا در عراق و افغانستان و تعامل این کشور با ایران اشاره دارد.

به گزارش «نیویورک تایمز»، اسفند ماه ۱۳۹۴، زلمی خلیل‌زاد مقام سیاسی امریکا در دولت جورج بوش در کتاب جدید خود نوشت، مقامات امریکائی قبل از این‌که به عراق حمله نظامی بکنند، در این رابطه جلساتی را با مقامات سیاسی ایران برگزار کردند و از ایران خواستند در رابطه با جنگنده‌های هوائی امریکا - که احتمالاً به اشتباه به مرزهای غربی ایران وارد می‌شوند - تعامل لازم را داشته باشند و آن‌ها را مورد اصابت موشک‌های خود قرار ندهند.

در این کتاب به محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه فعلی ایران نیز که آن زمان یعنی سال ۲۰۰۳ نماینده ایران در سازمان ملل بود اشاره شده است که در این رابطه دیدارهایی با مقامات امریکائی در شهر ژنو داشت. این کتاب مدعی است تعاملات سیاسی- نظامی ایران و امریکا به‌پیش از آغاز حملات محدود نشد و در جریان حملات و تصرف عراق نیز ادامه داشت.

بنا به نوشته «نیویورک تایمز»، از زمان انتشار این کتاب بیش از یک ماه نمی‌گذرد و نویسنده در این کتاب آورده است که هدف اصلی ما از گفت‌وگو با ایران این بود که خیالمان از بابت عدم سرنگونی جنگنده‌های امریکا توسط ایران راحت باشد و در همین رابطه محمد جواد ظریف موافقت مقامات سیاسی ایران را با درخواست امریکا اعلام کرد.

در این کتاب، همچنین به قدرت نفوذ ایران در بین جامعه شیعی عراق که اکثریت جمعیت عراق نیز هستند اشاره و نوشته شده است، در سال ۲۰۰۳، امریکا علاقه‌مند بود از طریق نفوذ ایران در عراق، موافقت جامعه شیعی عراق را برای سقوط صدام جلب کند، زیرا امریکا به خوبی می‌دانست رهبران شیعی عراق از سوی ایران حمایت می‌شدند و همچنین قدرت نفوذ بالائی در میان جامعه شیعی عراق داشتند.

در این کتاب، اعتراف شده است که البته در همان مذاکرات، جدا از اشتراکاتی که میان دو کشور وجود داشت، اختلافات شدیدی نیز پیش می‌آمد. برای مثال، امریکا به شدت به دنبال ایجاد یک حکومت موافق با سیاست‌های امریکا در عراق بود و ایران از روی کار آمدن یک دولت شیعی در عراق حمایت می‌کرد. از سوی دیگر، موضوع تروریسم و اتهاماتی که از سوی مقامات سیاسی امریکا در مورد حمایت ایران از تروریسم مطرح می‌شد، عاملی برای تشدید اختلافات بود.

این مقام سیاسی پیشین امریکا که متولد افغانستان و از قوم پشتون است توضیحات بیش‌تری در کتاب خود داده و معتقد است اگر امریکا سیاست‌های تعاملی خود را که با بهانه حمله به عراق با ایران آغاز شده بود ادامه می‌داد و با وارد کردن اتهامات متعدد به ایران این فضا را خراب نمی‌کرد ما می‌توانستیم بسیاری از طرح و برنامه‌های سیاست خارجی ایران را با سیاست‌های اجباری خود تحت نظارت درآوریم.

«نیویورک تایمز» در خبر مربوط به تعامل پیشین ایران و امریکا اضافه کرد، زمان انتشار این کتاب قابل توجه است، چون در حالی این کتاب منتشر می‌شود که سیاست‌های دولت باراک اوباما ریاست جمهور جدید امریکا نیز در عرصه دیگر و این بار برنامه هسته‌ای ایران پرده دیگری از مذاکرات با ایران را باز و البته منتقدان زیادی به‌ویژه در جناح رقیب یعنی جمهوری خواهان پیدا کرده است.

این روزنامه در مورد مشخصات نویسنده کتاب نیز نوشت: خلیل‌زاد متولد افغانستان و بزرگ شده امریکا و دارای مدرک دکتری از دانشگاه شیکاگو است.

این مقام سیاسی امریکائی در سال ۲۰۰۳، به نمایندگی از کاخ سفید مذاکراتی را در مورد ایجاد تعامل با ایران از طریق محمد جواد ظریف آغاز کرد. او در دیدارهای خود با وزیر فعلی امور خارجی ایران گفت: امریکا بر آن است تا در عراق دولت دموکراتیک برقرار کند ولی همواره ظریف در این دیدارها از نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دوران پس از سرنگونی صدام صحبت می‌کرد.

در این خبر، اضافه شده است که جمهوری اسلامی ایران در همان زمان نگران اوضاع فعلی عراق بود و اعلام می‌کرد نیروهای حزب بعث عراق و وابستگان به حکومت‌های غربی قادر به ایجاد دولت دموکراتیک در عراق نخواهند بود و محمد جواد ظریف تأکید می‌کرد که پس از سقوط صدام باید فضای سیاسی عراق به‌صورت کامل از نیروهای رژیم بعث عراق پاکسازی شود.

در توضیحات بیش‌تر در مورد جزئیات مذاکرات ایران و امریکا در سال ۲۰۰۳ در کتاب مذکور آمده است، زمانی که موضوع تروریسم روی میز در یک جلسه در ماه می ۲۰۰۳ قرار گرفت، ظریف از ایالات متحده امریکا خواست تا رهبران مجاهدین خلق را - که گروه مخالف ایرانی شناخته می‌شود و در پناه صدام بودند - به‌عنوان گروه تروریستی بشناسد و از حمایت آن‌ها دست بردارد.

خلیل‌زاد، اضافه کرد، در برابر این خواسته آمریکا متقابلاً ایران را متهم کرد که مقامات القاعده، از جمله پسر اسامه بن‌لادن را پناه خود قرار داده‌اند و از تحویل آن‌ها ممانعت می‌کنند.

این مقام سیاسی دولت سابق آمریکا، اضافه کرده است: پس از سقوط صدام حسین ارتباطات میان ایران و آمریکا ادامه داشت؛ اما حمایت‌های ایران از شیعیان عراق در حالی که واشنگتن گمان می‌کرد آن‌ها تروریست هستند باعث ایجاد اختلافات شدید میان این دو کشور شد و موضوع تا قطع ارتباطات دیپلماتیک ادامه یافت.

در همین رابطه «نیویورک تایمز» به‌نقل از رایان سی کروکر، دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی که در مذاکرات خلیل‌زاد با محمد جواد ظریف حضور داشته است، نوشت: مذاکرات سازنده مقامات سیاسی ایران و آمریکا در سال ۲۰۰۱ در رابطه با افغانستان و مذاکرات مشابه آن‌ها در سال ۲۰۰۳ در مورد عراق می‌توانست در ابعاد گسترده‌تری ادامه یابد اما طرح موضوع محور شرارت از سوی جورج بوش و قرار دادن ایران در این محور از سوی آمریکا باعث تشدید اختلافات و قطع روابط دیپلماتیک شد.

در این کتاب، از قول فیلیپ دی زلیکو مشاور وزارت امور خارجه وقت آمریکا آمده است، مذاکرات میان ایران و آمریکا که در رابطه با افغانستان و عراق آغاز شده بود، تا زمانی که ایالات متحده آمریکا خود را برای سرکوب جدی شیعیان عراق - که از سوی ایران حمایت می‌شدند - آماده کرد، ادامه داشت. این اتفاق که در سال ۲۰۰۷ رخ داد، باعث شد جورج بوش دستور بدهد که نیروهای نظامی آمریکا در عراق افزایش یابند و این‌گونه رفتارها باعث تشدید اختلافات شد.

در همین رابطه، از قول خلیل‌زاد آمده است، پس از آغاز دور مفیدی از مذاکرات و تعاملات با ایران از سوی آمریکا، موضوع تروریسم و اختلافات شدید میان ایران و آمریکا و همچنین طرح موضوع محور شرارت از سوی جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا سبب شد تا رهبر جمهوری اسلامی ایران اعلام کند که آمریکایی‌ها قابل اعتماد نیستند و تشدید اختلافات باعث قطع روابط میان این دو کشور شد.

همچنین در آبان‌ماه سال ۱۳۸۸، بخشی از خاطرات رایان کراکر سفیر سابق آمریکا در عراق و افغانستان، توجه محافل حکومت اسلامی را جلب کرد. او نوشته بود که یک هفته پس از حملات یازده سپتامبر در سال ۱۳۸۰ و در جریان مذاکرات ژنو با چند دیپلمات ایرانی، مذاکراتی درباره حمله به افغانستان داشته است.

کراکر نوشته بود: «من واقعا از هویت طرف‌های ایرانی خود متعجب شده بودم. دو نفر از سه نفرشان در آمریکا درس خوانده بودند و ما در وقت تنفس راجع به فوتبال دانشگاه بو.سی.ال.ای حرف می‌زدیم.»

کراکر افزوده بود: «آنچه که برایم جالب‌تر از همه بود، اشتیاق آنان نسبت به اعزام نیروهای آمریکا، همان «شیطان بزرگ»، به حیاط خلوت ایران یعنی افغانستان بود. اوایل اکتبر، یعنی تقریباً یک ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ما پشت میز یکی از سالن‌های کنفرانس سازمان ملل نشسته بودیم و در مورد ساختار پارلمان بعد از طالبان صحبت می‌کردیم. یکی از دیپلمات‌های ایرانی رفته‌رفته به تنگ آمد و سرانجام سرپا ایستاد و تقریباً با فریاد گفت که ما نباید در مورد «چه باید باشد» صحبت کنیم. تا زمانی که رژیم کنونی -در افغانستان- بر سر کار است، هیچ کدام از این حرف‌ها سودی ندارد. سپس او اتاق را ترک کرد. بمباران افغانستان توسط آمریکا چند روز بعد آغاز شد.»

اما در همان زمان که ایران با آمریکا بر سر افغانستان در حال مذاکره بود، آیت‌الله خامنه‌ای همچنان از مخالفت با مذاکره سخن می‌گفت. از جمله روز هشتم آبان ۱۳۸۰ در جمع مردم اصفهان گفت: «رابطه با آمریکا، بلکه مذاکره با دولت آمریکا امروز برخلاف مصالح ملی و منافع ملت است... مذاکره با آمریکا در هریک از قضایایی که این دولت در

آن برای خودش ایده و منفعتی تعریف کرده است- مثل همین قضیه افغانستان- هیچ فایده‌ای ندارد.» (حدیث ولایت- بیانات ۱۳۸۰- صفحه ۱۳۳)

او چند ماه بعد و در اواخر سال ۱۳۸۰ نیز طی سخنانی تأکید کرد: «چنین نیست که کسی خیال کند که حالا ما در این شرایط رامحل‌مان این است که به خود این ظالم زورگویی تهدیدکننده مراجعه کنیم؛ با خود او صلاح مشورت و مذاکره کنیم! مذاکره رامحل نیست؛ مذاکره برطرف کننده‌ی هیچ مشکلی از این قبیل مشکلات نیست.» (۲۷-۱۲-۱۳۸۰- همان منبع- ص ۲۱۲)

آیت‌الله علی خامنه‌ای در اولین روز فروردین‌ماه ۱۳۹۲، در جمع هواداران خود در مشهد گفت: «امریکائی‌ها مدتی است که از طرق گوناگون پیغام می‌دهند که خواهان مذاکره جداگانه با ایران در خصوص موضوع هسته‌ای هستند اما من بر اساس تجربه‌های گذشته به چنین گفتگوهای خوشبین نیستم.» او افزود: «البته من مخالفتی هم ندارم.»

حدود چهار ماه بعد و در حالی که رئیس‌جمهور جدید ایران، حسن روحانی انتخاب شده بود و دولت احمدی‌نژاد آخرین روزهای خود را سپری می‌کرد، آیت‌الله خامنه‌ای طی سخنانی دیگر در جمع مسؤولان حکومتی تأکید کرد همان گونه که در ابتدای سال گفت، به مذاکره با امریکا خوشبین نیست و اضافه کرد: «اگرچه در سال‌های گذشته مذاکره در مسائل خاصی همچون عراق را منع نکردم.» (کیهان، ۱۲ تیر ۱۳۹۲)

سخن آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌داد که شایعات مربوط به مذاکرات ایران و امریکا «در مسائل خاص» بی‌اساس نبوده است. البته خامنه‌ای، عراق را یکی از نمونه‌های مذاکره، و نه تنها مورد، ذکر کرده بود.

مذاکره دیگر ایران و امریکا بر سر موضوع عراق بود. آیت‌الله خامنه‌ای صریحاً از این‌که این مذاکرات با اجازه او انجام شده سخن گفته است. در اسفند ماه ۱۳۹۱، پایگاه خبری رسمی رهبر ایران، چند گزارش از این مذاکرات را به قلم سه تن از اعضای «هیات مذاکره‌کننده ایران با امریکا در موضوع عراق» منتشر کرد. توجه به این گزارش‌ها فضای فکری حاکم بر طرف ایرانی را به‌خوبی نمایش می‌دهد.

حسین امیرعبداللهیان معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه در دولت احمدی‌نژاد در گزارش خود با عنوان «امریکا به دنبال مذاکره است نه حل مساله» خبر می‌دهد: «رهبر معظم انقلاب اسلامی در اول فروردین‌ماه سال ۱۳۸۵ اعلام کردند که به‌خاطر وضعیت عراق، استثنائاً در این موضوع ما اجازه دادیم مذاکرات انجام شود.» گفته می‌شود که مذاکرات ایران و امریکا به میزبانی دولت عراق، به ترتیب در ۷ خرداد ۱۳۸۶-۲۸ مه ۲۰۰۷، ۲ مرداد ۱۳۸۶-۲۴ ژوئیه ۲۰۰۷ و ۱۵ مرداد ۱۳۸۶-۶ اوت ۲۰۰۷، برگزار شده است. (ایسنا- ۲۱ خرداد ۱۳۹۲)

عبداللهیان از تجربه خود در این مذاکرات می‌نویسد: «من خودم تصورم این بود که وقتی با امریکائی‌ها می‌نشینیم و مذاکره می‌کنیم، اینها باید با یک اقتدار و صلاحیتی در مذاکرات حاضر شوند. در حالی که ما به‌عنوان تیم مذاکره از طرف جمهوری اسلامی ایران اختیار کامل داشتیم اما هیات امریکائی چنین اختیاری نداشت.»

خامنه‌ای در اول فروردین‌ماه سال ۱۳۸۵، اعلام کردند که به‌خاطر وضعیت عراق، استثنائاً در این موضوع ما اجازه دادیم مذاکرات انجام شود. حسین امیرعبداللهیان معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه در دولت احمدی‌نژاد بود. روایت امریکائی درباره این مذاکرات متفاوت است. رایان کروکر، سفیر وقت امریکا در عراق و رئیس هیات امریکائی مذاکره‌کننده، در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی درباره مذاکرات مزبور می‌گوید همتای ایرانی‌اش در این جلسات دائماً تقاضای تنفس می‌کرد و با فردی تماس می‌گرفت. او در جواب به‌سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که چه کسی می‌توانست آن طرف خط باشد، به‌صورت قاطع از سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران نام می‌برد.

البته حسن کاظمی قمی، سفیر پیشین ایران در عراق که ریاست هیات ایران در دو دور مذاکرات با امریکا درباره عراق را برعهده داشت در گفت‌وگو با ایسنا سخنان کرکر را تکذیب کرد و البته گفت: «به‌طور کلی در مذاکرات گاهی مسائلی مطرح می‌شود که لازم است به اطلاع وزیر یا رئیس‌جمهور برسد و این موضوعی طبیعی است.» (ایسنا- ۲۱ خرداد ۱۳۹۲)

کاظمی قمی نیز طی نیز گفتگویی در وبسایت خامنه‌ای، از تجربه خود در مذاکره سخن گفته است. او می‌گوید امریکائی‌ها پس از جلسه سوم، مذاکرات را قطع کردند و بهیاد می‌آورد که: «دور سوم آن مذاکرات، مرحله‌ی کارشناسی بود و ورود به‌عرصه عملیاتی ... اما این‌جا مذاکره قطع شد. امریکا اهدافی از مذاکره داشت که احساس کرد اگر این روند ادامه یابد، به مصلحتش نیست. اگرچه نگاه جمهوری اسلامی ایران به همه خیر است و حتی در این مورد امریکائی‌ها هم نفع می‌برند.»

رضا امیری مقدم، دیگر عضو مذاکره کننده هیات ایرانی نیز می‌نویسد: «امریکا پس از حمله به افغانستان و اشغال این کشور مهیای حمله دوم خود می‌شد. در محافل امریکائی آن روز بحث این بود که گزینه ما بعد از افغانستان بهتر است ایران باشد یا عراق یا سوریه؟ امریکائی‌ها تردید داشتند که اول سر را بزنند یا بدنه. در آن شرایط خاص بحث این بود که آیا امریکا می‌تواند به ایران حمله کند یا نه؟ در حالی که نظر برخی نئوکان‌ها مانند جان بولتون این بود که ما باید به ایران حمله کنیم، امریکائی‌ها به مجموعه دلایلی به ایران حمله نکردند و عراق را انتخاب کردند.»

امیری مقدم، درباره موضوع مذاکرات می‌گوید: «به‌ما می‌گفتند که در مسأله عراق دخالت نکنید و مدام به مسأله تروریسم اشاره می‌کردند. ما در جواب گفتیم که عراق امروز به‌مرکزی برای تروریست‌ها و گروه‌های خونریزی چون پژاک تبدیل شده است. مسأله تروریسم یک بسته‌ای است که گروه‌های زیادی را دربرمی‌گیرد. نمی‌توان با آن گزینشی برخورد کرد. با یکی برخورد کرد و یکی را آزاد گذاشت. شما بیایید تا کاری کنیم که ریشه تروریسم در عراق بخشکد. مگر شما نمی‌گوئید که از این ترورها و کشته‌شدن سربازان و مردم عراق رنج می‌برید؟ آن‌ها می‌گفتند بله، ولی ما نیامده‌ایم که مشکل شما را حل کنیم. ما هم می‌گفتیم پس ما چرا مشکل شما را حل کنیم؟»

مسئولین امریکایی- چه در عراق، چه در بیرون عراق- از مسئولین ما درخواست‌های پی‌درپی و مکرری کردند و این‌ها هم اول اعتنایی نکردند؛ بعد برای این‌که شاید برای جلوگیری از ناامنی‌های فاجعه‌بار ملت مظلوم عراق این کار لازم باشد، گفتند در این مسأله ما حرفی نداریم که نظرات خودمان را به طرف امریکایی منتقل کنیم. (آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۸۵)

او می‌افزاید: «ما گفتیم چه‌طور... اگر سرباز امریکائی کشته شود بد است، اما اگر شیعه عراقی کشته شد خوب است؟ چه‌طور شما به منافقین کمک‌های نظامی می‌دهید؟ آن‌وقت اگر آن‌ها با آن سلاح‌ها مردم عراق را بکشند ایراد ندارد؟ اگر القاعده و بعضی‌ها آمدند و از شما کشتند ایراد دارد؟ اگر جیش‌المهدی از خودش دفاع کند ایراد دارد، اما اگر منافق‌ها و پژاک از خودش دفاع کنند ایراد ندارد؟»

مسأله قابل توجه در سخنان مذاکره‌کننده ایرانی که به‌طور رسمی در وبسایت آیت‌الله خامنه‌ای نیز منتشر شده، آن است که نشان می‌دهد این مذاکرات، خلاف سخنان خامنه‌ای، درباره مسایل مربوط به ایران نیز بوده است.

مذاکره بین ایران و امریکا در طول سال‌های پس از انقلاب، همواره ادامه داشته و بر وضعیت سیاسی هر دو کشور تأثیر گذار بوده است.

اگرچه سفر مکفارلین به ایران و فروش تسلیحات نظامی امریکائی به حکومت اسلامی ایران در زمان جنگ با عراق، پرسر و صداترین نمونه مذاکرات ایرانی‌ها و امریکائی‌هاست، اما دو کشور مذاکرات پیدا و پنهان خود را هیچ‌گاه قطع نکرده‌اند.

این مذاکرات، مشخصا در زمان رهبری آیت‌الله خامنه‌ای و به‌طور مشخص‌تر در دوره پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به‌طور جدی پی‌گیری شده و دارای ابعاد امنیتی بوده است.

سوابق همکاری امنیتی ایران با ایالات متحده در زمینه حساس‌ترین و پرحجم‌ترین عملیات نظامی و امنیتی امریکائی‌ها در کشورهای مسلمان و همسایه ایران، قاعدتا حکایت از این معنی دارند که مذاکره میان مقام‌های دو کشور، در حدی که در رسانه‌های رسمی عنوان می‌شود به هیچ‌وجه «خط قرمز» نبوده است.

شرایط فعلی برای سران حکومت اسلامی ایران، بسیار نگران‌کننده است. امریکا از برجام خارج شده و تصمیم گرفته تحریم‌های سخت‌تری علیه ایران اعمال کند. مهم‌تر از همه اعتراضاتی که از دی ماه سال گذشته آغاز شده و روزبه‌روز گسترده‌تر می‌گردد بنابراین در چنین شرایطی، مذاکره و میانجی‌گری می‌تواند برای حکومت اسلامی راهگشا باشد.

شاید پیش شرط‌های امریکا برای گفت‌وگو شرایط مذاکره را سخت‌تر کند، اما اکنون برای سران حکومت اسلامی، مسأله مرگ و زندگی است. به خصوص اروپائی که قول داده بودند مخالف تحریم‌های امریکاعلیه ایران هستند اما اکنون آهنگ دیگری می‌زنند. به گزارش بی.بی.سی، رسانه‌های اروپائی پیش‌تر به‌منقل از دیپلمات‌های گفته بودند که کانال یا سازوکار مالی به‌طور سمبولیک و نمادین پیش از اجرائی شدن تحریم‌های نفتی امریکا علیه ایران، افتتاح می‌شود اما عملیاتی شدن آن احتمالا تا اوایل زمستان جاری طول می‌کشد.

چند روز پس از انتشار این گزارش‌ها، اکنون روزنامه فایننشال تایمز چاپ بریتانیا به نقل از دیپلمات‌های اروپائی خبر داده که هیچ دولتی از اعضای اتحادیه نمی‌خواهد با میزبانی از این سازوکار، از تحریم‌های ایالات متحده عبور کند. فایننشال تایمز، از قول دیپلمات‌ها گزارش داده که طی جلساتی که هفته گذشته در کمیسیون اروپا با هدف آماده شدن برای پاسخ به تحریم‌های امریکا برگزار شده درباره این‌که هیچ دولتی متمایل نیست میزبان دفتر اداری این کانال مالی باشد، بحث شده است.

در شرایطی که بخشی از خریداران اروپائی نفت ایران، شرکت‌ها و پالایشگاه‌های خصوصی هستند که دولت‌ها نمی‌توانند آن‌ها را مجبور به خرید نفت ایران کنند و در عین حال، در برابر تحریم‌های امریکا آسیب‌پذیر هستند در نتیجه تاکنون روابط خود را با ایران قطع کرده‌اند و یا به‌زودی قطع خواهند کرد.

بنابراین، حکومت اسلامی ایران سخت در تنگنا و بن‌بست قرار گرفته و با توجه به همین تجربیات بالا است که امروز می‌توان گفت، امکان همکاری دو حکومت امریکا و ایران در مورد پرونده‌های حساس دیگر همچون ترویسیم، پرونده هسته‌ای، موشکی و یا بحران سوریه را نباید غیرممکن قلمداد کرد.

هر چند که مذاکره و توافقات حکومت اسلامی با امریکا، احتمالا برای سران و نهادهای حکومت اسلامی آسان نیست و می‌تواند شکاف‌ها و مخالفت‌های جدی در درون حاکمیت ایجاد کند اما با این وجود، این احتمال را باید در نظر گرفت که خامنه‌ای هم مانند خمینی مجبور به سر کشیدن جام زهر شود و با «شیطان بزرگ» توافق کند جای تعجبی ندارد.

اما این‌بار نه جام زهر و نه دست دراز کردن به‌سوی اتحادیه اروپا، چین، روسیه و امریکا و غیره، به تنهائی بقای آن را تضمین نخواهد کرد. چرا که اکنون فاکتور بسیار مهمی در ماندن و نماندن حکومت اسلامی وجود دارد و آن هم فاکتور مردم است. اکنون اکثریت مردم ایران عزم کرده‌اند تا این حکومت جانی را از حاکمیت ساقط نکنند و یک جامعه نوین آزاد، برابر و عالانه بسازند!

دوشنبه هفتم آبان [عقرب] ۱۳۹۷ - بیست و نهم اکتوبر ۲۰۱۸